

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲ دی ۱۳۹۹ • ۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ • ۲۲ دسامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۹۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۶
اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۱۱

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت



چشم روز پرستار در بیمارستان امام‌رضا (ع) تبریز. عکس: مینا نوعی، مهر

سفرنامه کابل-۳-

شیرچای و آب انار داغ

ادویه. برای هر چیزی ادویه‌ای وجود دارد، با طعم و رنگ مختلف. از دیگر نوشیدنی‌های خیلی خوشمزه، شیرچای و آب‌انار داغ است. شیر را می‌جوشانند و در حالی که شیر در حال قل‌قل‌کردن است، به آن جای مخصوصی که شبیه جای کله‌مورچه‌ای است، می‌افزایند. وقتی چای در دل شیر دم کشید، آن را از یک صافی ریز عبور می‌دهند و به آن اندکی نبات، هل و زعفران اضافه کرده و می‌نوشند. آب‌انار را نیز داغ می‌کنند، اما نه آن‌قدر که بجوشد. وقتی حسابی داغ شد، به آن نبات، هل و قدری دارچین اضافه کرده و همان‌طور داغ داغ می‌نوشند. دو نوشیدنی بسیار خوشمزه بوده و طعم متفاوتی دارد. کابل‌انباشته از غذاهای بسیار متنوع و خوشمزه‌ای است که به دائقه ما بسیار نزدیک است. گوشت نقش مهمی در غذاهای محلی ایفا می‌کند و مغازه‌های قصابی به وفور در تمام محلات شهر دیده می‌شود؛ البته همه بضاعت خرید گوشت را ندارند، اما فراوانی انواع گوشت،



زهر ا مشتاق

در مندنی بارها و بارها، صورتان چشم به چشم گوشت‌های سفید و نمک‌سودشده می‌شود و غذافروش‌های خیابانی؛ روی یک گاری چرخان و شعله‌ای روشن برای داغ نگه‌داشتن یا پختن سریع غذاها. اینجا خبری از ساندویچ سوسیس و کالباس و همبرگر نیست؛ غذاها و خوردنی‌ها محلی و بومی است؛ مثل قابلی‌پلو که حرف پ، با فتحه غلیظ تلفظ می‌شود و هر وقت روز قابل خوردن است؛ چه برای صبحانه، چه نیم‌چاشت که همان ناهار خودمان باشد. قابلی‌پلو برنج که گاه رب دارد و گاه بدون رب، با گوشت گوسفند یا مرغ پخته می‌شود و نوارهای یاریگی از هویج و رشته و انواع مغزهای تازه مثل پسته و بادام و البته ادویه‌های بسیار تازه و خوشمزه سرو می‌شود. مغازه‌دارها صبحانه و نیم‌چاشت خود را از همین غذافروش‌های دوره‌گرد می‌خرند. چند نفر دور یک سینی می‌نشینند و با دست شروع به خوردن قابلی‌پلو خوشمزه می‌کنند؛ یا نخود پخته‌شده، آبدوغ‌خار با سبزی‌های معطر یا ذرت نیم‌پزشده در آب که میان طرفی شبیه استانبولی بنایان که پر از نمک داغ است، کباب شده و داغ داغ خورده می‌شود. فرنی و حبه‌های چغندرقدق که با انواع چای سبز تازه خورده می‌شود و البته رنگ به رنگ

پرنده آبی

چرا واکسن نمی‌خرید؟

داغ‌ترشدن جریان این هشتک و مطالبه مردمی برای واکسن کرونا شد. در این میان برخی از مسئولان ایرانی از وجود محدودیت‌هایی برای خرید واکسن کرونا خبر داده‌اند. حسن روحانی در جلسه دو هفته قبل ستاد ملی مبارزه با کرونا گفت بود: «دستور دادم واکسن مورد تأیید وزارت بهداشت سریع‌ای برای کادر درمان و افراد پرریسک تهیه شود»؛ اتفاقی که تاکنون رخ نداده و احتمالاً همین می‌دهد که خرید واکسن غیر از دستور رئیس‌جمهور به عوامل دیگری نیز بستگی دارد. یکی از این موانع که از سوی برخی مقامات اعلام شده است، نداشتن تجهیزات و تکنولوژی لازم برای انتقال این واکسن به ایران است. این واکسن باید در دمای منفی ۷۰ درجه نگهداری شود و اظهارنظر مصطفی قاضی، رئیس کشور علمی ستاد مقابله با کرونا، درباره نداشتن چنین شرایطی در سیستم حمل‌ونقل هوایی ایران موجب شد تا موجی از واکنش‌ها به این اظهارنظر شکل بگیرد و بسیاری آن را غیرواقعی بدانند. اما مهم‌تر از این مسئله، موضوع تحریم‌ها، FATF و بحث تأمین مالی برای خرید واکسن است که به نظر می‌رسد سد راه ایرانی‌ها شده است. حسینیعلی شهریار، رئیس کمیسیون بهداشت مجلس، درباره واردات واکسن کرونا گفته بود: «تا این لحظه نتوانسته‌ایم منابع ارزی لازم را برای خرید واکسن کرونا تأمین و این پول را به خارج از کشور منتقل کنیم و مانند مشکلی که درباره واکسن آفتلوانژ داشتیم به‌طوری‌که پول تهیه این واکسن را تأمین کرده و به خارج از کشور منتقل کنیم

رسانه‌ها در فضای شبکه‌ای، هرازگاه، جمله نغزی را دستمایه طنز و شوخی قرار می‌دهند و آن را به ضرب‌المثل تبدیل می‌کنند. عبارتی که پسر دکتر عارف درباره «ژن خوب» بیان کرد، اکنون در فرهنگ عمومی کشور جای گرفته است. مورد جدید این طنازی اصحاب رسانه، جمله علی فروغی است که درباره فردوسی‌پور گفت که او «از مدار خارج شده بود». حال جمله این رئیس پُرنفوذ شبکه سه تلویزیون، ضرب‌المثل شده و استفاده می‌شود.

همین شبیه که بازی پرسپولیس بود، چند جوان فوتبال‌دوست را دیدم که تصویر بزرگ و بی‌نقص تلویزیون را کنار گذاشته بودند و مسابقه را از صفحه کوچک موبایلشان در اینستاگرام، با هم تماشا می‌کردند تا صدای گزارشگر محبوبشان را گوش کنند. وقتی عادل گزارش را با بغض و بیان دلتنگی برای گزارش فوتبال آغاز کرد، دیدم که اشک شوق در چشم این جوانان حلقه زده است. واقعا برایم عجیب است که تلویزیون چطور چنین سرمایه ارزشمندی را به دلایل غیرمنطقی مدیر شبکه سه، از دست داد. چطور یک نفر در برابر رسانه عظیم ملی، می‌تواند عرض اندام کند و در ساخت افکار عمومی پیروز باشد؟

علی فروغی از موقعی که در راس شبکه سه قرار گرفته، آماج حمله بوده و مورد انتقاد قرار گرفته است. افکار عمومی هنوز نپذیرفته که او در یک فرایند طبیعی مدارج اداری را طی کرده و لابد دلیل احراز چنین پُست مهمی را انتساب به برخی افراد می‌دانند. گرچه عملکرد فروغی با اسلاف خود چندان تفاوتی نداشته، اما برخورد با عادل فردوسی‌پور، او را در برابر افکار عمومی قرار داده و دچار مشکل کرده است. استدلال فروغی برای کنارنهادن فردوسی‌پور از برنامه پرمخاطب بود، به لحاظ فنی و حرفه‌ای مسموم نیست. هر رسانه‌ای در دنیا، تلاش می‌کند به هر نحو ممکن عوامل انسانی خود را به اوج محبوبیت برساند و اصولا مسیر رشد در دنیای رسانه همین بوده است. مشهورترین مجریان و شومن‌های تلویزیونی در طول زمان محبوبیت کسب کرده‌اند و باعث جذب مخاطب و افزایش کسب درآمد از آگهی برای رسانه خود شده‌اند. یک رسانه باید افتخار کند که توانسته فردی را به شهرت برساند، نه آنکه نگران شهرت و محبوبیت ملی مجریان خود باشد. هدف یک رسانه، جذب مخاطب است. رسانه‌های خصوصی و تجاری، جذب زمان محبوبیت کسب کرده‌اند و باعث جذب اهداف خاص خود طلب می‌کنند. اصلا اگر مخاطب نباشد، رسانه دیگر مفهومی ندارد. ریزش مخاطب، بدترین ضربه‌ای است که بر یک رسانه وارد می‌شود و به تدریج آن را از دایره اثرگذاری کنار می‌نهد. حال وجود افرادی که به شهرت رسیده‌اند و طرفدار دارند، بهترین موقعیت را برای رسانه حرفه‌ای فراهم می‌کند و رسانه چنین موقعیت شیرینی را از دست نمی‌دهد.

اتفاق

جایزه داستان کوتاه «ارغوان» فراخوان داد

فراخوان چهارمین دوره جایزه داستان کوتاه «ارغوان» با موضوع «آخرین سال قرن» منتشر شد. جایزه ادبی «ارغوان» از سوی انتشارات هفت‌رنگ، با هدف تقویت استعدادهای جوان و تلاش برای ارتقای جایگاه آنان از سطح آماتوربه به حرفه‌ای، ترویج داستان‌نویسی و فرهنگ کتاب‌خوانی برگزار می‌شود. هیئت انتخاب این جایزه (بر اساس حروف الفبا) فرشته احمدی، میترا الیاتی، فرهاد توحیدی، محمد چرم‌شیر و مهسا مجبعلی هستند و هیئت داوران (بر اساس حروف الفبا) احمد پوری، حسین سنابور و لیلی گلستان. بنا بر اعلام، مهلت ارسال آثار از اول دی ۱۳۹۹ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ خواهد بود. شرایط سنی شرکت در مسابقه حداکثر ۳۰ سال است و مراسم اختتامیه با معرفی برگزیدگان در خرداد ۱۴۰۰ برگزار خواهد شد. دوره چهارم این جایزه در قیاس با دوره‌های گذشته تفاوت‌هایی دارد. پیش از این جایزه نقدی تنها به نفر اول اهدا می‌شد ولی از این دوره، جایزه نقدی به نفرات اول تا سوم اهدا خواهد شد. همچنین پیش‌تر برندگان دوره‌های قبل حتی اگر جزء ۱۰ نفر برگزیده بودند و کتاب‌هایشان از سوی جایزه منتشر می‌شد، می‌توانستند در دوره بعدی شرکت کنند ولی در دوره چهارم این امکان وجود ندارد. بنابراین نویسندگان جوانی که یک دوره جزء ۱۰ نفر برگزیده قرار می‌گیرند و کتابشان منتشر می‌شود، دیگر امکان شرکت در این جایزه را نخواهند داشت زیرا همان کتابی که از سوی جایزه منتشر می‌شود، جزء رزومه آنان محسوب خواهد شد. جوایز چهارمین دوره جایزه داستان کوتاه «ارغوان» به شرح زیر است:
آثار ۱۰ نفر اول به‌صورت یک جلد کتاب توسط نشر مرکز به چاپ خواهد رسید.
جایزه منتخب هیئت داوران برای نفرات اول تا سوم: تندیس
جایزه «ارغوان»، لوح تقدیر و مبلغ ۲۰ میلیون ریال جایزه نقدی

جایزه ۱۰ نفر برگزیده هیئت داوران:

لوح تقدیر و چاپ اثر در کتاب

صاف و ساده

نه بر مدار مُروت، نه بر مدار مُدارا

پس استدلال مدیر جوان رسانه ملی که عادل از مدار خارج شده بود، نقض غرض است. اگر این مدار حرفه‌ای باشد، باید چارچوب‌های فعالیت قانونی و مطابق مقررات سازمان صداوسیما باشد، اما اگر منظور مدار محفلی باشد که فقط عده خاصی از حدود و ثغور آن مطلع هستند، با فلسفه فعالیت حرفه‌ای یک سازمان رسانه‌ای منافات دارد.

رسانه ملی، یک سازمان عام‌المنفعه است که اختیار آن در دستان افرادی قرار گرفته تا در راستای اهداف عمومی کشور فعالیت کند، مردم را سرگرم کند، نیاز خبری جامعه را برطرف و به همبستگی اجتماعی و وحدت ملی کمک کند. اگر بخواهیم متصفانه قضاوت کنیم، باید کارنامه رسانه ملی را ببینیم که آیا توانسته است به این سه هدف اساسی دست یابد یا نه؟

ریزش مخاطب رسانه ملی در طول دو دهه اخیر، استمرار داشته است. به علت عملکرد بسته و غیر حرفه‌ای در حوزه خبر و تحلیل، رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی فارسی، ایران‌اینترنشنال، رادیوفردا و صدای آمریکا، تأثیرگذار شده‌اند. در همین رویداد ترور و شهادت معاون وزیر دفاع، در حالی که شبکه‌های بیگانه، پخش مستقیم داشتند، رسانه ملی هنوز خبررسانی متناسب نکرده بود. در زمینه استفاده از تحلیلگران و مفسران جذاب و متبحر، از کارشناسان ثابت متعلق به یک دیدگاه خاص سیاسی بهره می‌برد که نمی‌تواند تقابل دیدگاه و اثربخشی بر مخاطب داشته باشد.

در زمینه برنامه‌های سرگرم‌کننده، صرفا به پخش چندده‌باره سریال‌های موفق گذشته اکتفا می‌کند و تولیدات جدید به جهت محدودیت در استفاده از افراد مجرب، در رقابت با شبکه‌های متعدد خارج از کشور، برای مخاطب ایرانی جذابیتی ندارد. در زمینه ایجاد همبستگی ملی و جذب افکار و اقشار مختلف مردم برای توانمندسازی نظام، رسانه ملی بر یک دیدگاه بسته پای فشرده و باقی دیدگاه‌ها را تعدما نادیده گرفته است. این امر، رشد تنش‌ها و برخورد‌های سیاسی و اجتماعی و تندشدن کدورت‌های فرهنگی و تاراندن مخاطبان را در پی داشته و به تضعیف پایگاه اجتماعی حکمرانی منجر شده است، به نحوی که با وجود دعوت برای مشارکت در انتخابات، مردم غالبا خلاف خواسته رسانه ملی عمل کرده‌اند.

القصد آقای فروغی و دوستانشان در رسانه ملی،

نه در مدار مروت با دوستان بوده‌اند و نه مدارا با

دشمنان را پیشه کرده‌اند. آنها اگر بخواهند با همین

فرمان و با مدار محفلی خودشان کار را پیش ببرند،

سازمان عریض و طویل صداوسیما را به یک رسانه

پُرخرج و کم‌بازده و ناموفق تبدیل می‌کنند که کرده‌اند.

راه صحیح و منطقی، حرکت بر مدار حرفه‌ای و تلاش

برای رسیدن به اطلاع‌رسانی درست، سرگرمی مناسب

و اتخاذ مشی وحدت‌آفرین است.

دغدغه‌های طبیبانه

طاقتی که طاق شده است



عبدالرضا ناصر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● هر کس که سری به اورژانس‌های این مملکت بزند، متوجه می‌شود که کادر درمان با کمترین تجهیزات و کمترین تشویق‌ها در خط اول مقابله با کرونا قرار گرفته و هر روز نیز خسارات جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شود. با وجود اینکه خوشبختانه آمارهای ابتلا و مرگ ناشی از کووید۱۹ در حال کاسته‌شدن است، اما روزی نیست که خبر ابتلای یکی از این عزیزان را نشنویم. آمارها هم نشان داده که کادر درمان بیش از سایر افراد در معرض ابتلا به کووید بوده‌اند. با وجود اینکه این کادر درمان خسته با همان قدرت باقی‌مانده در حال جنگیدن با شرایط موجود است، اما به نظر می‌رسد هیچ‌کس به کمک آنها نمی‌آید. این یادداشت را زمانی می‌نوسم که هنوز چندشبی به شب یلدا مانده است. ترس عدم رعایت توصیه‌های ایمنی توسط مردم ما تمام کادر درمان را فراگرفته، ترس اینکه همان روندی که در طول یک سال گذشته مردم ما در پیش گرفتند و بی‌مسئولیتی را به اوج خود رساندند، در مورد شب یلدا نیز تکرار کرده و بار دیگر نه‌تنها خود و خانواده‌شان را با چاهالت و بی‌مسئولیتی به خطر بیندازند بلکه رحمی به جان خسته و نحیف کادر درمان نکرده و دوباره بیمارستان‌ها را با هجوم بیماران بدحال پر کنند. برای من جالب است که اکثرشان هم پادشان می‌رود که چه کار کردند و تمهیدات ایمنی را رعایت نکردند و حالا که خود و دیگران را به خطر انداخته‌اند، توقع بهترین رسیدگی را نیز دارند. اما این فقط گوشه‌ای کوچک از ماجراست.

به نظر می‌رسد مقابله با بیماری کووید۱۹ وارد مرحله جدیدی شده است. نه‌تنها خبرهای نوبیدبخشی در مورد ساخت واکسن آن در رسانه‌ها منتشر می‌شود بلکه اکنون بسیاری از کشورها با خریداری واکسن در مقیاسی وسیع، واکسیناسیون گسترده شهروندان خود را آغاز کرده‌اند. تعدادی از دوستان من که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، اطلاع دادند که واکسیناسیون برایشان انجام شده است. این در حالی است که ما در ایران هنوز که هنوز است در انتظار اندک خبری خوش از احتمال ورود واکسن به ایران هستیم. بدتر از آن هم اینکه مشخص نیست واکسن داخلی کی به مرحله تولید خواهد رسید. اینها همه بدین معناست که با قربانیان بیشتری روبه‌رو خواهیم شد. حتی یک روز تأخیر در واکسیناسیون می‌تواند تبعات سنگینی برای جامعه ما به دنبال داشته باشد. وقتی یک شب یلدا می‌تواند این‌گونه تن کادر درمان را بلرزاند و تعطیلات بعدی و به‌خصوص با عید نوروز چه خواهیم کرد؟ چرا ما نمی‌توانیم همانند بسیاری دیگر از کشورها، واکسن‌های ساخته‌شده را در کشورمان داشته باشیم؟ و چرا مردم و کادر درمان ما باید از تزریق این واکسن‌ها تا این حد



محروم باشند؟ وقتی صحبت از جان مردم آن هم در این حجم بالا هست چرا سیاستمداران ما نمی‌خواهند اندکی تغییر در سیاست‌های اشتباهشان بدهند تا شاید جان آدمیان این مرز و بوم را حفظ کنند؟ مگر جان درمانان ما ارزشی ندارد؟ طاقم طاق شده است. نه‌تنها طاقت من بلکه طاقت تمام کسانی که در کادر درمان هستند و هر روز جانشان را کف دست‌شان می‌گیرند و تنها دلخوشی‌شان این است که امروز را به پایان رسانده‌اند و هنوز نفس می‌کشند. طاقت همه اینها طاق شده است. انگار در بیابانی گرفتار شده‌اند که هیچ‌کس نمی‌خواهد به فریاد آنها برسد: نه درمانی که از رعایت کمترین‌ها خودداری می‌کنند و نه مدیرانی که از سیاست‌ها و بینش‌های غلط خود کوتاه نمی‌آیند. این طاقت طاق تا کجا ادامه خواهد یافت؟ مطمئناً که کادر درمان کار و وظیفه خود را رها نخواهند کرد. آنها با کمترین حمایت و امکانات به نبرد همه‌جانبه خود برای حفظ جان آدمیان ادامه خواهند داد، اما آن ضربات روحی‌ای که بر روان آنها وارد شده هیچ‌گاه التیام نمی‌یابد. زخمی که همه در ایجاد آن دخیل بوده‌اند، اما زمانی که این خطر به پایان برسد هیچ‌یک نقش خود را در ایجاد آن به خاطر نخواهند آورد.

